

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال یازدهم، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (صص ۱۴۰-۱۲۵)

ساخت کلان دوبیتی‌های علامه اقبال لاهوری

۱- احمد سنجولی

چکیده

گوینده یا نویسنده هنگام تولید یک متن، با توجه به معرفت زمینه‌ای و اطلاعاتی که ظاهراً بین او و خواننده مشترک است، از قالب خاصی برای ارائه مطلب استفاده می‌کند. علامه اقبال لاهوری (۱۹۳۸-۱۸۷۷م) در مجموعه شعر ارمغان حجاز برای بیان دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی و دینی خویش از قالب دوبیتی بهره برده که جلوه‌گاهی از اندیشه و احساس لطیف شاعر است؛ بنابراین در این نوشتار به منظور دستیابی به برخی از ویژگی‌های زبان‌شناختی و تجزیه و تحلیل گفتمانی ادبی، دوبیتی‌های وی به روش توصیفی-تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته تا به این سؤالات اساسی پاسخ داده شود که ساخت کلان دوبیتی‌های اقبال چگونه است و هر دوبیتی از چه سازهایی تشکیل شده است؟ نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ساخت و بافت دوبیتی‌های وی به سه دسته تک‌سازه‌ای، دوسازه‌ای و سه‌سازه‌ای قابل تقسیم است که دوبیتی‌های تک‌سازه‌ای بیش از نیمی از کل دوبیتی‌ها را به خود اختصاص داده است. در دوبیتی‌های تک‌سازه‌ای، سازه توصیف بیشترین بسامد را دارد و در آن توصیف انسان و شرح حال خویشان و احوال دل محوری‌ترین عنصر به حساب می‌آید. از آنجا که در این دوبیتی‌ها جزء فرستنده و گیرنده و نیز خود پیام در مرکزیت و کانون توجه قرار دارد، گفتمان دوبیتی‌های اقبال از نوع عاطفی، ترغیبی و ادبی است.

کلیدواژه‌ها: ساخت کلان، ساخت گفتمانی و متنی، اقبال لاهوری، ارمغان حجاز.

Email: Ah-sanchooli@uoz.ac.ir

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱

۱- مقدمه

یکی از مباحث عمده در سازمان‌دادن و پردازش گفتمان به صورت متن و استخراج و استنتاج معنی از متن، مبحث معرفت زمینه‌ای (background knowledge) یا اطلاعات قبلی است (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۰). بر پایه این دیدگاه، متن که در زنجیره‌ای از جملات ادامه می‌یابد، «تبادل گوینده (یا نویسنده) و شنونده (یا خواننده) را در یک بافت موقعیتی خاص و در چارچوب سنن اجتماعی و فرهنگی می‌گنجانند» و «به معنی دارکردن و فهم‌پذیرساختن گفته‌ها کمک می‌کند و باعث می‌شود که یک سخن متداوم به مجموعه منبسط و منسجمی از معانی تبدیل شود، نه آنکه صرفاً مجموعه‌ای از جملات بی‌ربط و منفک باشد» (آبرامز، ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۰۳).

یکی از الگوهایی که برای تشریح و توصیف چگونگی تنظیم و سازمان‌دهی مجدد اطلاعات موجود در یک متن، در ذهن خواننده یا شنونده با توجه به انتظارات آن‌ها مطرح می‌شود و شنونده یا خواننده نیز براساس انتظارات و دانش قبلی خود، این اطلاعات را در ذهن خود سازمان‌دهی می‌کند، الگوی چارچوب فکری-نظری (schema model-theoretic) است. بر پایه این الگو وقتی یکی از اعضای مجموعه (یا یکی از زیرمجموعه‌ها) تحریک شود، بقیه اعضا نیز فعال می‌شوند (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۱).

مفهوم اسکیماتا (schemata) یا ساخت کلان، اولین بار توسط بارتلت (Bartlett) در سال ۱۹۳۲ برای تشریح و توصیف چگونگی تنظیم و سازمان‌دهی مجدد اطلاعات موجود در یک داستان در ذهن خواننده یا شنونده با توجه به انتظارات آن‌ها مطرح شده است؛ یعنی شنونده یا خواننده براساس انتظارات و دانش قبلی خود چگونه این اطلاعات را در ذهن سازمان‌دهی می‌کند (سویلز، ۱۹۹۰؛ به نقل از رشیدی و انصاری، ۱۳۹۰: ۱۲۴). همچنین سویلز (۱۹۹۰) طرح ذهنی را به معنای ساختار دانش قبلی (prior-knowledge) موجود در ذهن انسان‌ها به کار برده است؛ به این معنی که انسان‌ها براساس تجربه، دانش، باورها و عقاید خود، الگوها و طرح‌های تثبیت‌شده‌ای در ذهن خود دارند. وی همچنین بر این باور است که انسان همواره وقایع را براساس طرح ذهنی خود ارزیابی می‌کند و هم‌ترازی یا هم‌خوانی آن‌ها را با تجربیات، دانش و عقاید قبلی خود می‌سازد و بر آن اساس، تحلیل و تنظیم و سازمان‌دهی می‌کند (همان: ۱۲۵).

به‌طور کلی دو نوع عمده چارچوب فکری-صوری وجود دارد که عبارت‌اند از: صوری (formal) و محتوایی (content) (سویلز، ۱۹۹۰؛ به نقل از یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۰). چارچوب

فکری- صوری، معرفتی پیش‌زمینه‌ای (دانش قبلی) از ساختارهای بلاغی انواع متون مختلف است و چارچوب فکری- محتوایی، انواع تجربیات زبانی و غیرزبانی است که موجب شکل‌گیری مفاهیم و حقایق در ذهن انسان و گسترش معرفت پیش‌زمینه‌ای درباره‌ی یک گفتمان می‌شود که از این طریق امکان ارزیابی صحت و سقم گزاره‌ها و تناسب و مرتبط‌بودن یا نبودن آن‌ها را فراهم می‌کند (رشیدی و انصاری، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۴). بر این اساس گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده در هنگام گفتگو یا نوشتن با توجه به اطلاعات قبلی که تصور می‌رود بین آن‌ها در مورد موضوع موردنظر مشترک باشد، گفته یا نوشته‌ی خود را عرضه می‌کند. نحوه‌ی عرضه، انتخاب قالب بیان، خلاصه یا گسترده بیان‌داشتن مطلب و بالاخره به‌کارگیری ساخت دستوری و واژگان خاص ارائه‌ی مطلب، بستگی به عواملی چند از جمله کیفیت معرفت زمینه‌ای دارد. شنونده یا خواننده نیز در کشف، تفسیر و استخراج منظور گوینده و نویسنده از این ویژگی‌ها بهره می‌گیرد (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۰).

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

یکی از قالب‌هایی که شاعر معمولاً برای بیان «آمال خود و زندگی و محیط خود و به‌طور کلی خویشتن خویش» (شمیسا، ۱۳۶۳: ۲۸۳) به‌کار می‌گیرد، دوبیتی است. دوبیتی که غالباً از روی نیاز روحی سروده می‌شود و «جلوه‌گاه نیازهای عاطفی» است و به تعبیری دیگر «در سرودن آن هدفی اعتقادی یا نیازی عاطفی وجود دارد» (راشد محصل، ۱۳۸۳: ۱۸)، از دو بیت ساخته شده‌است که در آن شاعر همچون رباعی به ثبت لحظه‌های زودگذر شاعرانه می‌پردازد؛ بنابراین نقش این قالب شعری و بافت و صورت آن با دیگر قالب‌های شعر فارسی متفاوت است. شاید به‌همین دلیل است که جیمز می‌گوید: «به تعبیری متن‌ها در فرهنگ‌ها «نهادینه» شده‌اند؛ یعنی اینکه انواع متون نقش‌های قراردادی خاصی را در زندگی روزمره ایفا می‌کنند» (جیمز، ۱۹۸۰: ۱۱۷)؛ به‌نقل از یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۳.

با توجه به مطالب مطرح‌شده، در این پژوهش چارچوب فکری یا به‌عبارتی ساخت کلان دوبیتی‌های علامه اقبال لاهوری که در مجموعه شعر «ارمغان حجاز» آمده‌است، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود به این سؤالات پاسخ داده شود که: اولاً ساخت کلان دوبیتی‌های اقبال لاهوری چگونه است؟ و ثانیاً هر دوبیتی از چه سازه‌هایی تشکیل شده‌است؟ و ثالثاً وقوع هر سازه در سطح ساخت کلان دوبیتی‌های اقبال لاهوری به چه میزان است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از انجام این تحقیق، بررسی ساخت کلان دوبیتی‌های علامه اقبال لاهوری است. در این نوع بررسی که نوعی تجزیه و تحلیل گفتمان ادبی محسوب می‌شود، کلام مرتبط پیوسته معنی‌دار و بالاتر از جمله توصیف می‌شود و ساخت و بافت زبان در مراحل بالاتر از جمله مورد مطالعه قرار می‌گیرد و شیوه تنظیم و ارتباط اجزای یک متن با یکدیگر به منظور تشکیل یک مفهوم یا متن کامل و معنی‌دار مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

روش انجام تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی است که در آن دوبیتی‌های اقبال لاهوری با استفاده از طرح ساخت گفتمانی و متنی پیشنهادی یارمحمدی درخصوص رباعیات خیام مبتنی بر سه سازه «توصیف»، «توصیه» و «تعلیل» مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. در این پژوهش، تمام دوبیتی‌های فارسی اقبال لاهوری در مجموعه شعر «ارمغان حجاز» مورد واکاوی قرار گرفته و ابتدا هر دوبیتی بررسی شده و چارچوب موجود در آن استخراج شده و سپس همه این ساخت‌ها با یکدیگر مقایسه شده‌اند و سازه‌های به دست آمده که در اکثر دوبیتی‌ها عمومیت دارند، با طرح ساخت گفتمانی و متنی پیشنهادی یارمحمدی مقایسه شده و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها بیان شده است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

درخصوص علامه اقبال لاهوری و شعر او، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ از جمله مجموعه مقالاتی که در دو همایش بین‌المللی بزرگداشت وی در دانشگاه سیستان و بلوچستان برگزار شده که اولی با عنوان «موج ز خود رسته» در ۲ جلد به کوشش مریم شعبانزاده در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده و دومی با عنوان «معمار حرم» در سال ۱۳۹۶ چاپ شده است؛ ولی درباره دوبیتی‌های اقبال تحقیق مستقلی مشاهده نشد. تنها تحقیق صورت گرفته درخصوص دوبیتی‌های اقبال، مقاله «لاله طور و ارمغان حجاز» از دکتر حسین رزمجو (۱۳۷۳) است که در آن به بررسی و مقایسه اندیشه و احساس لطیف اقبال پرداخته و معتقد است که درون‌مایه شعر اقبال در «لاله طور»، عشق سوزانی است که شاعر به حقیقت عالم یا سرچشمه جلال و جمال هستی-خداوند-ابراز می‌کند. اقبال همین مضمون را در ارمغان حجاز نیز با تعبیری نو و غیرمکرر به سلیک نظم درآورده است.

درباره ساخت کلان و گفتمانی و متنی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: یارمحمدی (۱۳۸۳) در مقاله «ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه انگلیسی فیتزجرالد» به بررسی و تجزیه و تحلیل ساخت کلان رباعیات و چارپاره‌های خیام پرداخته و چارچوبی را برای رباعیات مذکور ارائه کرده که مشتمل بر سه سازه «توصیف»، «توصیه» و «تعلیل» است. او معتقد است که این چارچوب در اغلب رباعیات خیام دیده می‌شود. البته در بعضی حالات این سه عنصر تغییر جا داده یا در یکدیگر تداخل کرده‌اند، یا اینکه یک سازه دو بار یا بیشتر تکرار شده است. رشیدی و انصاری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به «بررسی ساخت کلان دوبیتی‌های باباطاهر همدانی» پرداخته‌اند و در آن علاوه بر سه سازه پیشنهادی یارمحمدی برای توصیف رباعیات خیام، دو سازه «گله و شکایت» و «آرزو و تمنا» را نیز در ساخت کلان دوبیتی‌های باباطاهر قابل تشخیص دانسته‌اند.

۲- ساخت کلان دوبیتی‌های اقبال لاهوری

ارمغان حجاز که سال انتشار ۱۹۳۸ میلادی را بر پیشانی خود دارد، آخرین مجموعه شعر اقبال لاهوری است که پس از مرگ وی منتشر شده است. این کتاب حاوی ۳۹۴ دوبیتی است که گویای نظرات سیاسی و اجتماعی و تربیتی و دینی و روحانی وی است. البته بخشی از این کتاب به زبان اردو بوده که در کلیات اشعار فارسی اقبال نیامده است. این مجموعه که «به شوق و آرزوی زیارت مکه و مدینه و به سبک دوبیتی‌های باباطاهر سروده شده» (علمی، ۱۳۶۶: پانزده)، خود به ترتیب از پنج بخش مجزا شامل: «حضور حق»، «حضور رسالت»، «حضور ملت»، «حضور عالم انسانی» و «به یاران طریق» تشکیل شده است. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در خصوص ساخت کلان دوبیتی‌های فارسی علامه اقبال لاهوری در مجموعه شعر «ارمغان حجاز»، براساس طرح ساخت گفتمانی و متنی پیشنهادی لطف‌الله یارمحمدی، دوبیتی‌ها از لحاظ عناصر سازنده به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- دوبیتی‌هایی که هر سه سازه «توصیف»، «توصیه» و «تعلیل» در آن‌ها به وضوح دیده می‌شود. ۲- دوبیتی‌هایی که فقط دارای یک سازه «توصیف» یا «توصیه» هستند. ۳- دوبیتی‌هایی دو سازه «توصیف و تعلیل»، «توصیف و توصیه» یا «توصیه و تعلیل» دارند.

۲-۱- دوبیتی‌های یک‌سازه‌ای

الف) سازه توصیف

در سازه توصیف، «شاعر معمولاً گوشه‌ای از طبیعت یا وقایع را توصیف می‌کند» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۴). این سازه از مجموع ۳۹۴ دوبیتی که در ارمغان حجاز آمده، ۱۸۴ مورد را

شامل می‌شود که ۶۷/۷۰ درصد را به خود اختصاص داده‌است و بالاترین بسامد را دارد. لازم به ذکر است که این مسأله مربوط به دوبیتی‌هایی است که فقط به سازه توصیف اختصاص یافته‌است. چنانچه دوبیتی‌هایی که هر سه سازه یا دو سازه توصیف و تعلیل و نیز توصیف و توصیه را هم که جداگانه بدان‌ها پرداخته خواهد شد، به این رقم بیفزاییم، بسامد بسیار بیشتری را دربرمی‌گیرد.

اقبال لاهوری در سازه توصیف، به توصیف دل و احوال خود، جهان و عالم هستی و انسان (اعم از عارف، عامی، حکیم، مسلمان، فرنگی، هندو، ملا و صوفی و امثال آن) پرداخته‌است. توصیف انسان با تکرار ۱۵۲ مورد، بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده‌است. این مسأله در بخش «حضور ملت» ارمغان حجاز بسیار پررنگ است. عناوینی که خود اقبال برای این بخش تعیین کرده از قبیل: صوفی، ملا، رومی، فاروق، شعرای عرب، فرزند صحرا، دختران ملت و... خود گویای این مسأله است. سخن عمده اقبال در این بخش، انتقاد از راه و روش عالم‌نمایان متظاهری است که با دام تزویر خود، ساده‌لوحان را به بند اوهام گرفتار کرده‌اند:

به بند صوفی و ملا اسیری حیات از حکمت قرآن نگیری
به آیتش تو را کاری جز این نیست که از «یس» او آسان بمیری
(اقبال لاهوری، ۱۳۶۸: ۴۵۷)

در توصیف انسان به‌ویژه مسلمانان به آن‌ها هشدار می‌دهد و می‌خواهد که آن‌ها را از خواب غفلت بیدار کند. او برای انجام این کار و آراستن و روشن‌ساختن انجمن مسلمانان، رنج و سختی بسیاری را تحمل می‌کند:

شب این انجمن آراستم من چو مه از گردش خود کاستم من
حکایت از تغافل‌های تو رفت ولیکن از میان برخاستم من
(همان: ۴۳۶)

توصیف جهان و عالم هستی با تکرار ۲۲ مورد، در مرتبه سوم قرار دارد. در توصیف جهان به ناهنجاری‌های روزگار اشاره می‌کند که حتی دل جبرئیل امین، فرشته مقرب خداوند را نیز به درد می‌آورد:

چنین دور آسمان کم دیده‌باشد که جبرئیل امین را دل خراشد
چه خوش دیری بنا کردند آنجا پرستد مؤمن و کافر تراشد
(همان: ۴۳۶)

و در توصیف دل و سهمی که این گوهر والای الهی در زندگی روحانی و پیشرفت‌های معنوی آدمی دارد، می‌گوید:

دل آن بحر است کو ساحل نرزد نهنگ از هیبت موجش بلرزد
از آن سیلی که صد هامون بگیرد فلک با یک حساب او نرزد
(همان: ۴۷۵)

این نکته نشان می‌دهد که در نظام ارتباطی اقبال لاهوری در مجموعه شعر «ارمغان حجاز»، جزء گیرنده و فرستنده در مرکزیت و کانون توجه قرار دارد که به اعتقاد یاکوبسن، هرگاه جهت‌گیری پیام به سوی گوینده باشد، زبان دارای نقش عاطفی (emotive) است (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۱). در سازه توصیف، فعل دارای وجه اخباری است و «بسامد بالای وجه اخباری بیانگر ارتباط نزدیک گوینده با رخدادهاست» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۷).

ب- سازه توصیه

در توصیه، به خواننده توصیه و ارائه‌ی طریقی می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۴). از مجموع دوبیتی‌های اقبال لاهوری، ۳۴ دوبیتی به‌طور وضوح هر ۴ مصراع فقط به سازه‌ی توصیه اختصاص دارد و این سازه ۸/۶۲ درصد را شامل می‌شود. این سازه معمولاً با فعل امر یا نهی و با قیدهای التزامی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، جمله دارای وجه التزامی است. «این وجه نشان می‌دهد جهت‌گیری و حالت گوینده نسبت به اجرای یک عمل از نوع درخواست، توصیه، اجبار و فرمان است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸۷). در این وجه جهت‌گیری پیام به سوی گیرنده (خواننده یا شنونده) است و به عبارت دیگر در روند ارتباط، مخاطب در کانون توجه قرار می‌گیرد که به اعتقاد یاکوبسن، نقش زبان تشویقی و ترغیبی (conative) است و مهم‌ترین ویژگی آن این است که صدق و کذب این‌گونه ساخت‌ها قابل سنجش نیست (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۱):

ز من هنگامه‌ای ده این جهان را دگرگون کن زمین و آسمان را
ز خاک ما دگر آدم برانگیز بکش این بنده سود و زیان را
(اقبال لاهوری، ۱۳۶۸: ۴۳۴)

گاه توصیه به صورت استفهامی، تمنا و پیشنهاد، دعا، هشدار یا با فعل «بیا» در مفهوم فراخواندن و دعوت کردن به کار یا امری صورت می‌گیرد:

نگاه عتاب‌آلود تا چند؟ نشان حاضر و موجود تا چند؟

در این بتخانسه اولاد بـراهمیم نمک‌پرورده نم‌رود تا چند؟
(همان: ۴۳۵)

در این دوبیتی، استفهام مفید معنی نهی است که مخاطب را از نگاه عتاب‌آلود و توجه به بتان و نمک‌پرورده نم‌رود بودن نهی می‌کند. در دوبیتی زیر نیز توصیه می‌کند که از علم چاره‌ساز که در آن سوز و گدازی نباشد، نگاه پاک‌باز و از نگاه پاک‌باز، دل بی‌نیاز از هردو عالم بهتر است؛ بنابراین به‌طور غیرمستقیم از مخاطب می‌خواهد که به دل بی‌نیاز از هردو عالم روی بیاورد:

ز علم چاره‌سازی بی‌گدازی بسی خوش‌تر نگاه پاک‌بازی
نکـوتـر از نـگـاه پاک‌بـازی دلی از هر دو عالم بی‌نیازی
(همان: ۴۶۸)

در دوبیتی زیر، معنای عادی فعل «بیا» که به اعتقاد برخی از محققان از الفاظ کلیدی زیبایی حافظ است، فعل امر از مصدر «آمدن» نیست (خرمشاهی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۴۶)؛ بلکه آمیزه‌ای است از تشویق و موافقت‌طلبی:

بیا با هم درآوریم و رقصیم ز گیتی دل برانگیزیم و رقصیم
یکی اندر حریم کوچۀ دوست ز چشمان اشک خون ریزیم و رقصیم
(اقبال لاهوری، ۱۳۶۸: ۴۵۳)

گاه توصیه از جانب مخاطب به خود شاعر است:

تو گفستی از حیات جاودان گوی به گوش مُرده‌ای پیغام جان گوی
ولی گویند این ناحق‌شناسان که تاریخ وفات این و آن گوی
(همان: ۴۴۶)

در یک نگرش کلی سازه توصیه را می‌توان به توصیه‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی تقسیم کرد. لزوم پیروی از حق و پرهیز از وسوسه‌های شیطانی، توسل به کلام الهی و تبعیت از سنت پیامبر(ص) و الگو قرار دادن سیرت حضرت علی(ع) و روی آوردن به فرهنگ شهادت و عاشورایی، از مهم‌ترین توصیه‌های دینی اقبال لاهوری به مسلمانان جهان است. همچنین سلوک و معاشرت نیکو با مردم، علم‌اندوزی و روی آوردن به حکیمان و دانایان و پرهیز از عالم‌نمایان متظاهر و ریاکار، توجه به فرهنگ کهن ایرانی و اسلامی و پرهیز از جلوه‌های ظاهری فرهنگ و تمدن غرب، توجه به سنت و مدرنیته، ایمان‌داشتن به قدرت و توان خود و طرحی نو در جهان درانداختن، از جمله برجسته‌ترین توصیه‌های اخلاقی و اجتماعی وی به‌شمار می‌آید.

۲-۲- دوبیتی‌های دوسازه‌ای

الف) توصیف و توصیه

در این نوع دوبیتی، هم سازه توصیف به‌وضوح به چشم می‌خورد و هم سازه توصیه. از مجموع دوبیتی‌های اقبال لاهوری در مجموعه شعر «ارمغان حجاز»، تعداد ۲۴ دوبیتی دارای چنین ساختاری هستند که چیزی در حدود ۶/۰۹ درصد کل دوبیتی‌ها را به خود اختصاص داده‌است. در دوبیتی‌های دوسازه‌ای گاه جای سازه‌ها عوض می‌شود و گاه سازه توصیه به‌صورت تأویلی و مشروط است. در دوبیتی زیر، نخست توصیه به‌صورت مشروط مطرح شده و سپس در بیت دوم، سازه توصیف در وصف آن دانای راز آمده‌است:

اگر می‌آید آن دانای رازی بده او را نوازی دل‌گدازی
ضمیر امتان را می‌کند پاک کلیمی یا حکیمی نی‌نوازی
(همان: ۴۳۵)

بیت دوم دوبیتی زیر را که ظاهراً به‌صورت توصیف است، می‌توان به سازه توصیه تأویل کرد: «آدمی نباید ویرانه‌ای را از خون انسان‌ها آب و رنگ بدهد»:

جهانی تیره‌تر با آفتابی صواب او سوراپا ناصوابی
ندانم تا کجا ویرانه‌ای را دهی از خون آدم رنگ و آبی
(همان: ۴۳۴)

یا در دوبیتی زیر، بیت دوم که به‌صورت مشروط بیان شده، قابل تأویل به سازه توصیه است؛ «مسلمانان برای نجات خود باید به خودشان روی آورند و با یکدیگر اتحاد داشته‌باشند»:

مسلمانان که خود را فاش دیدند به هر دریا چو گوهر آرمیدند
اگر از خود رمیدند اندر این دیر به جان تو که مرگ خود خریدند
(همان: ۴۵۵)

گاه سازه توصیه به‌صورت تمنا یا تعجب است. در دوبیتی زیر، شاعر در فصل بهار که دوستان و یارانش به صحرا خیمه می‌گسترند، تمنای تنهانشستن در کنار آب جوی کوهساران را دارد:

به راغان لاله رُست از نوبهاران	به صحرا خیمه گسترند یاران
مرا تنها نشستن خوش تر آید	کنار آب جوی کوهساران
	(همان: ۴۴۰)
مسلمانزاده و نامحرم مرگ!	ز بیم مرگ لرزان تا دم مرگ
دلی در سینه چاکش ندیدم	دم بگسسته‌ای بود و غم مرگ
	(همان: ۴۴۳)

در این دوبیتی، مصراع اول که به صورت تعجیبی بیان شده، دارای سازه توصیه است. شاعر توصیه می‌کند که مسلمانزاده نباید با مرگ نامحرم باشد و از مرگ بترسد. سه مصراع دیگر دارای سازه توصیف است.

ب) توصیف و تعلیل

در این نوع دوبیتی، هم سازه توصیف وجود دارد و هم سازه تعلیل؛ هرچند سازه تعلیل در اصل به عنوان «دلایلی برای توجیه توصیه آورده می‌شود» (پارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۴)؛ اما در دوبیتی‌های اقبال لاهوری، گاه این سازه برای توصیف آمده است. البته در چنین حالتی می‌توان سازه توصیف را به سازه توصیه تأویل کرد. سازه تعلیل معمولاً با حرف ربط تعلیل می‌آید. تعداد چنین دوبیتی‌هایی در مجموعه شعر «ارمغان حجاز» ۱۳ مورد است که در مجموع ۳/۲۹ درصد از دوبیتی‌های او را شامل می‌شود:

تو را این کش مکش اندر طلب نیست	تو را این درد و داغ و تاب و تب نیست
از آن از لامکان بگریختم من	که آنجا ناله‌های نیم شب نیست
	(اقبال لاهوری، ۱۳۶۸: ۴۳۳)

در این دوبیتی سازه توصیف را که در دو مصراع اول آمده، می‌توان به سازه توصیه تأویل کرد: «تو باید در طلب، کش مکش داشته باشی و در این راه متحمل درد و داغ و تاب و تب شوی.»

چو اشک اندر دل فطرت پییدم	تپیدم تا به چشم او رسیدم
درخش من ز مژگانش توان دید	که من بر برگ کاهی کم چکیدم
	(همان: ۴۸۰)

مصراع سوم را می‌توان به سازه توصیه تأویل کرد: «درخش مرا از مژگانش ببین.»

گاه این دو سازه، یعنی سازه‌های توصیف و تعلیل در دوبیتی‌های به هم پیوسته یا موقوف‌المعانی به چشم می‌خورد. در دوبیتی‌های زیر، بیت اول در توصیف ملا سروده شده و

سپس شاعر علت دوری‌جستن خود را از او در مصراع چهارم و دوبیتی بعد بیان کرده‌است که «در ریگ حجازش زمزمی نیست»، «سر منبر کلامش نیش‌دار است»، «او را صد کتاب اندر کنار است» و «ز خود پنهان و بر ما آشکار است»:

دل مـلا گرفتار غمی نیست	نگاهی هست در چشمش نمی نیست
از آن بگـریختم از مکتـب او	که در ریگ حجازش زمزمی نیست
سر منبر کلامش نیش‌دار است	که او را صد کتاب اندر کنار است
حضور تو من از خجلت نگفتم	ز خود پنهان و بر ما آشکار است

(همان: ۴۴۸)

ج) توصیه و تعلیل

در این نوع دوبیتی، دو سازه توصیه و تعلیل وجود دارد. در سازه تعلیل، همان‌گونه که ذکر شد، دلیل یا دلایلی برای توجیه توصیه آورده می‌شود. تعداد این نوع دوبیتی‌ها در مجموعه شعر «ارمغان حجاز» ۲۷ مورد است که ۶/۸۵ درصد دوبیتی‌ها را شامل می‌شود:

مران از در که مشتاق حضوریم	از آن دردی که دادی ناصبوریم
بفرما هرچه می‌خواهی به‌جز صبر	که ما از وی دوصد فرسنگ دوریم

(همان: ۴۷۷)

بهل ای دخترک این دلبری‌ها	مسلمان را نزیید کافری‌ها
منه دل بر جمال غازه‌پرورد	بیاموز از نگه غارتگری‌ها

(همان: ۴۶۵)

در این نوع دوبیتی‌ها نیز گاه سازه توصیه به‌صورت مشروط بیان می‌شود؛ به‌عنوان مثال در دوبیتی‌های زیر، مصراع‌های سوم که با «اگر» شرط آمده به سازه توصیه تأویل می‌شود: «به دست او هنر بده» و «به او آب از شیشه من بده»:

به پور خویش دین و دانش آموز	که تابد چون مه و انجم نگینش
به دست او اگر دادی هنر را	بید بیضاست اندر آستینش

(همان: ۴۶۸)

بیا از من بگیر آن سی ساله	که بخشد روح با خاک پیاله
اگر آبش دهی از شیشه من	قد آدم بروید شاخ لاله

(همان: ۴۸۰)

۳-۲- دوبیتی‌های سه‌سازه‌ای

در این نوع دوبیتی هر سه سازه توصیف، توصیه و تعلیل به‌چشم‌می‌خورد. تعداد این نوع دوبیتی‌ها ۱۰۷ مورد است که ۲۷/۱۵ درصد کل دوبیتی‌های «ارمغان حجاز» را شامل می‌شود و پس از سازه توصیف بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌است. در برخی موارد، هر سه سازه به‌وضوح در دوبیتی نمایان است. گاه مصراع اول و دوم دارای سازه توصیف است و مصراع سوم دارای سازه توصیه و مصراع چهارم دارای سازه تعلیل و گاه سه مصراع دارای سازه توصیف است و مصراع چهارم به‌تنهایی، هم دارای سازه توصیه است و هم دارای سازه تعلیل. به‌عبارت‌دیگر، گاه سازه توصیه و تعلیل با یکدیگر تداخل دارند:

دل ما بیدلان بردنند و رفتند
مثال شعله افسردند و رفتند

(همان: ۴۳۲)

به خود پیچیدگان در دل اسپرند
همه دردند و درمان‌ناپذیرند

(همان: ۴۳۳)

چه شور است اینکه در آب و گل افتاد
قرار یک نفس بر من حرام است

(همان: ۴۳۳)

در برخی موارد جای سازه‌ها عوض می‌شود. در دوبیتی زیر مصراع اول و دوم توصیف است، مصراع سوم تعلیل و مصراع چهارم توصیه:

سخن‌ها رفت از بود و نبود
من از خجلت لب خود کم گشودم

(همان: ۴۳۲)

سجود زنده‌مردان می‌شناسی
عیار کار من گیر از سجودم

گاه مصراع اول توصیه است و مصراع دوم تعلیل آن و مصراع سوم توصیف و باز مصراع

چهارم توصیه:

چه می‌خواهی از این مرد تن‌آسای
به هر بادی که آمد رفتم از جای

(همان: ۴۳۴)

سحر جاوید را در سجده دیدم
به صبحش چهره شامم بیارای

گاه هر چهار مصراع به‌ظاهر به‌صورت توصیف است؛ اما با اندک تأمل می‌توان سازه‌های توصیه و تعلیل را نیز در آن بازسازی کرد:

دل بی‌قید من در پیچ و تاب است	نصیب من عتابی یا خطابی است
دل ابلیس هم نتوانم آزد	گناه گناه گناه من صوابی است

(همان: ۴۳۳)

در این دوبیتی، مصراع سوم را می‌توان به سازه توصیه بازسازی کرد: «دل ابلیس را نباید آزد» و مصراع چهارم می‌تواند تعلیل آن به‌شمار آید: «زیرا گناه گناه من نوعی صواب است».

توصیف گاه به شیوه استفهام تقریری است. در دوبیتی زیر، بیت اول که به‌صورت پرسشی است، به سازه توصیف تأویل می‌شود: «جهان از خود برون آورده خداست» و «جمالش جلوه بی‌پرده حق است». مصراع چهارم به سازه تعلیل تأویل می‌شود: «من از شیطان حذر نمی‌کنم، زیرا شیطان نیز پرورده خداست»:

جهان از خود برون آورده کیست؟	جمالش جلوه بی‌پرده کیست؟
مرا گویی که از شیطان حذر کن	بگو با من که او پرورده کیست؟

(همان: ۴۳۳)

گاه چند دوبیتی از نظر معنایی به هم پیوسته است. در چنین شرایطی دوبیتی اول خود دارای سه سازه توصیف، توصیه و تعلیل است و بقیه دوبیتی‌ها تکرار سازه توصیف هستند:

مسلمان فاقه‌مست و ژنده‌پوش است	ز کارش جبرئیل اندر خروش است
بیانفش دگر ملت بریزم	که این ملت جهان را بار دوش است
دگر ملت که کاری پیش گیرد	دگر ملت که نوش از نیش گیرد
نگردد با یکی عالم رضامند	دو عالم را به دوش خویش گیرد

دگر قومی که ذکر لالهش	برآرد از دل شب صبح‌گاهش
شناسند منزلش را آفتابی	که ریگ کهکشان روید ز راهش

(همان: ۴۳۶)

گاه فعل توصیه حذف شده‌است؛ به‌عنوان مثال، فعل «کن» از مصراع سوم دوبیتی زیر حذف شده‌است:

گهی افتم گهی مستانه خیزم چو خون بی تیغ و شمشیری بریزم
نگاه التفاتی بر سر بام که من با عصر خویش اندر ستیزم
(همان: ۴۴۵)

گاه توصیه با «اگر» شرط همراه است؛ یعنی جمله شرطی قابل تأویل به سازه توصیه است و مصراع بعدی، تعلیل آن به حساب می‌آید؛ مثلاً در دوبیتی زیر، مصراع سوم به سازه توصیه و مصراع چهارم به سازه تعلیل تأویل می‌شود: «مسلمان باید خود را متاع خویشتن بداند»؛ زیرا «نگه را جز به خود بستن حرام است»:

مسلمان از خودی مرد تمام است به خاکش تا خودی میرد غلام است
اگر خود را متاع خویش دانی نگو را جز به خود بستن حرام است
(همان: ۴۵۵)

۴-۲- سازه تمنا

در سازه تمنا و آرزو، شاعر به آرزوی داشتن چیزی یا روی دادن واقعه‌ای می‌پردازد. در دوبیتی زیر، شاعر آرزو و تمنای مردانی را دارد که در دامان امروز هزاران تازه‌تر هنگامه چیدند:

بسا کس انده فردا کشیدند که دی مردند و فردا را ندیدند
خنک مردان که در دامان امروز هزاران تازه‌تر هنگامه چیدند
(همان: ۴۷۱)

بسامد چنین دوبیتی‌هایی در مجموعه شعر «ارمغان حجاز» بسیار اندک است. تعداد ۵ دوبیتی دارای سازه تمناست که در مجموع ۱/۲۶ درصد از دوبیتی‌ها را به خود اختصاص داده‌است. در دوبیتی زیر، شاعر تمنای راهی را دارد که سامانی نگیرد:

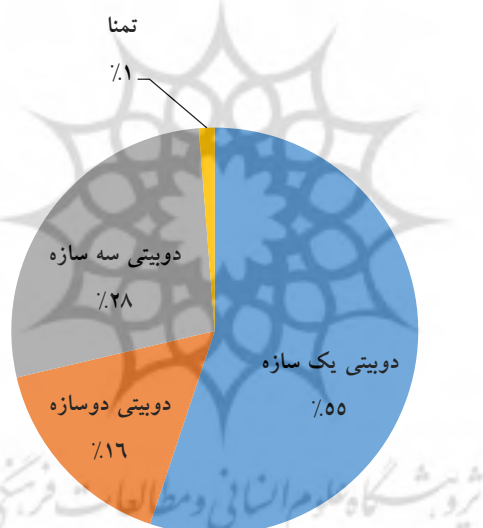
خوش آن راهی که سامانی نگیرد دل او پند بازارن کم پذیرد
به آبی سوزناکش سینه بگشای ز یک آهش غم صد ساله میرد
(همان: ۴۳۲)

یا در دوبیتی زیر، شاعر آرزوی آن را دارد که به خاک مرقد او لاله خوش‌تر است؛ زیرا هم خاموش و هم خونین‌نوی است:

متاع من دل دردآشنای است نصیب من فغان نارسای است
به خاک مرقد من لاله خوش‌تر که هم خاموش و هم خونین‌نوی است
(همان: ۴۳۵)

جدول ۱. ساخت کلان دوبیتی‌های اقبال لاهوری

تمنا	دوبیتی سه‌سازه	دوبیتی دوسازه			دوبیتی یک‌سازه		عنوان
		توصیف و تعلیل	توصیف و تعلیل	توصیف و توصیه	توصیف	توصیه	
۵	۱۰۷	۲۷	۱۳	۲۴	۱۸۴	۳۴	تعداد دوبیتی
۱ / ۲۶	۲۷ / ۵	۶ / ۸۵	۳ / ۲۹	۶ / ۰۹	۴۶ / ۷۰	۸ / ۶۲	درصد
۳۹۴							کل دوبیتی‌ها



نمودار ۱. ساخت کلان دوبیتی‌ها

۳- نتیجه

ساخت کلان دوبیتی‌های علامه اقبال لاهوری در مجموعه شعر «ارمغان حجاز» براساس طرح ساخت گفتمانی و متنی پیشنهادی لطف‌الله یارمحمدی (۱۳۸۳) قابل بررسی است؛ با این تفاوت که اقبال لاهوری در سازه‌ی توصیف، به جای توصیف طبیعت به توصیف سه مقوله‌ی مهم «انسان»، «جهان» و خویش خویش پرداخته‌است. این مسأله بیانگر آن است که نوع گفتمان در سیستم ارتباطی دوبیتی‌های وی بر سه عنصر «فرستنده»، «گیرنده» و خود «پیام» متمرکز است؛ ازاین‌رو

نوع گفتمان اقبال در مجموعه شعر «ارمغان حجاز»، از نوع عاطفی، ترغیبی و ادبی است. علاوه بر سازه «توصیف» که بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده، سازه‌های «توصیه»، «تعلیل» و «تمنا و آرزو» نیز در ساخت کلان دوبیتی‌های وی کاربرد یافته‌اند. البته سازه «تمنا و آرزو» کمترین بسامد را دارد. با توجه به سازه‌های توصیه و تعلیل، علامه اقبال لاهوری مسلمانان را به شناخت حقایق دین مبین اسلام، شناخت خود و فرهنگ خودی و پرهیز از جلوه‌های مزورانه فرهنگ غرب دعوت می‌کند؛ زیرا با تکیه بر همین نکته است که می‌توان در جهان طرحی نو درانداخت و به مقابله و مبارزه با استعمار و فرهنگ غرب کمر همت بست.

۴- منابع

۱. آبرامز، مایر هوارد، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان مرادآبادی، تهران: رهنما، ۱۳۸۷.
۲. اقبال لاهوری، محمد، کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، با مقدمه احمد سروش، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۶۸.
۳. خرمشاهی، بهاء‌الدین، حافظ‌نامه، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۴. راشد محصل، محمدرضا، دوبیتی جلوه‌گاه نیازهای عاطفی، کتاب ماه هنر، شماره ۶۸-۶۷، صص ۲۴-۱۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳.
۵. رزمجو، حسین، لاله طور و ارمغان حجاز، مجله آشنا، سال سوم، شماره ۱۶، صص ۶۵-۵۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳.
۶. رشیدی، ناصر؛ انصاری، ایوب، بررسی ساخت کلان دوبیتی‌های باباطاهر همدانی (عریان)، مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال ۳، شماره ۲، پیاپی ۸، صص ۱۴۳-۱۲۳، ۱۳۹۰.
۷. شمیسا، سیروس، سیر رباعی در شعر فارسی، تهران: انتشارات آشتیانی، ۱۳۶۳.
۸. صفوی، کورش، از زبان‌شناسی به ادبیات، جلد اول: نظم، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۳.
۹. علمی، محمود (م. درویش)، مقدمه و حواشی کلیات اشعار اقبال لاهوری، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۶.
۱۰. فتوحی، محمود، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن، ۱۳۹۱.
۱۱. یارمحمدی، لطف‌الله، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس، ۱۳۸۳.
12. Jams, c. **contrastive analysis**, London, longman, 1980.
13. Swales, j. m. **genre analysis: English in academic and research setting**, Cambridge: Cambridge university press, 1990.